

پاسخ به فراخوان مقام معظم رهبری مبنی بر نقد و ارتقای سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

بسم الله الرحمن الرحيم

ریاست محترم مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

معاونت علمی و تقسیم کار ملی مرکز الگو اسلامی ایرانی پیشرفت

رونوشت به مقام معظم رهبری کشور حضرت آیت الله خامنه ای دامت برکاته

موضوع پاسخ به سند بالادستی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت جهت ارائه نظرات مشورتی جهت تکمیل و ارتقای این سند

مقدمه:

با سلام و احترام ، متن کامل الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت را مطالعه نمودم و با توجه به همکاری اینجانب از طریق مشارکت در همایش های این طرح ، ارائه مقاله ، نامه های مکرر و ارائه توصیه های ضروری ، آنچه در پیش روی بنده قرار گرفت کلیاتی بود که در 100 اسناد بالادستی کشور با تفصیلی موسع آمده و حتی با تعیین ضرایب فنی و اعلام برخی مفردات و مداخل راه حل های مناسبی را در اختیار محققین محترم آن مرکز قرار داده بودند و علاوه بر این اسناد صدری کشور ، لذا در طول هفت سال فراز و فرود ، هزاران نشست و برخاست ، مقالات متعدد و تضارب افکار و نامه های خصوصی و غیرهم ، آنچه ارائه شده به لحاظ مختلف برون داد و نتیجه مناسبی بالنسبه در قیاس زمانی ، گستره انقلاب اسلامی ، تجارب چهل سال مجاهدت ها و وفاکاریها ، چندین هزار من مثنوی تدوین شده ، هزاران صفحه قانون و مقررات و بخشنامه های مکرر و گوناگون و گاهی در تضاد و تناقض با یکدیگر ، جمهوری از فرهیختگان دانشگاهی و حوزی و محققین آزاد رسمی و غیر رسمی ، نقد ها و توصیه ها و منابع غنی از جریان تکوینی ، امور تشریحی و ابداعات و انکشافات و غیره را به نمایش گذاشته است ، این دست آورد (سند الگو حاضر) پدیده شایسته ای برای این رهبری و پیروان و به خصوص وصایا و توصیه ها و فراخوان های امام امت (قدس سره شریف) نبوده و تاسف انگیز است

با این حال بر حسب فرمایش مقام معظم رهبری در مشارکت محققین این کشور و نقد ویا ارائه توصیه های ضروری ، نکاتی در حد اختصار ذیلاً به عرض رسانده و مواردی که قبلاً متذکر شده و طی نامه هایی به آن مرکز ارسال نمودم مجدداً ارسال و امیدوارم با امعان نظر به توصیه ها و دقایقی که ابراز شده است در برون داد این هفت سال سپری شده برای یک حکمرانی کاملاً اسلامی در کلیه ابعاد آن اهتمام ویژه و فرا انقلابی بکار گرفته شود

الف: نقد به پارگراف بالای مبانی

1. تمدن نوین اسلامی ایرانی / تمدن یک امر جهان شمول است و نظیر فلسفه ، علوم و فنون میباشد که در محدوده یک جغرافیای سیاسی محصور نمی گردد و حیات آن به گسترش ، سیطره ،

چیرگی و غلبه یافتن آن در کل جهان الزام می یابد، چه برسد به دین مبین اسلام که یک دین جهانی است و حصر آن به ایران و هر کشور دیگر جایز نیست و شبهه آور است و انتساب آن به جمهوری اسلامی ایران برای بروز یک تمدن نوین در حکمرانی به سبک اسلامی بوده که البته بیک سکوی کشوری یا ام القرائی جهان اسلام نیاز دارد که خود نیز یک الگوی جهان شمول است و دلیل روشنی برای تمرکزگرائی این آرمان جهانی میباشد که منابع اصلی، مبنائی و بنیادین آن بر حسب قوانین تکوینی و امور تشریحی و ابداعات بوده (که باید به احکام مصدق و کاربردی از طریق آن مرکز برای زمینه و محتوای یک تمدن نوین اسلامی تبدیل شود) و به قواعد دانش مفید در این زمینه و در تمام ابعاد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی با شیوه تدریجی تعمیم

یابد (لطفاً به 290 مقاله این نویسنده در این مورد، در سایت www.elmemofid.com

مراجعه شود) و تصویری روشن و با جزئیات لازم که در این جزئیات از رهیافت های محققان استفاده گردد و نه با مولفه ها و بعضی عناوین، کلیاتی را به سند بالادستی ارائه و محقق پاسخ گو نیز کلیاتی را تمجیدانه و مکرمانه به آن اضافه و یا ایفاد نماید و همدلی تحصیل گردد.

2. مقتضیات اجتماعی و اقلیمی و میراث فرهنگی ایران/ همان ایراد فوق را دارد البته مقتضیات

اجتماعی فعلی کشور بر حسب قاعده علیت تراکمی، جامعیت ندارد و کلیه اسناد بالادستی کشور در این مورد، مبتلا به یک رویکرد ناقص است، موضوع اقلیم و حتی اقوام، در قرآن مجید برای منظوری آمده است که ارتباط آن با الگوی پیشرفت تفاوت های معنی داری داشته و همگرایی ندارد و فرهنگ کهن ایران هم پوشانی کامل با اسلام ندارد و حتی مغایرت هائی در این مورد وجود دارد، منابع و مراجع الگو به غیر این مراجع است، به صراحت عرض کنم آنچه در 40 سال عمر انقلاب سپری گردید، یک آزمون بزرگ تاریخی محسوب میشود، برای هر محقق از هر کشوری در کره خاکی، صدها و در قلمروی فراشناختی ها، هزاران نشانه و پدیده از پیش رفت ها و پس رفت ها این فراانقلاب منحصر بفرد منعکس شده است و در مجموع یک دانشگاه نوین در کسب معارف از پنجره های خاص بصیرتی و فراروشی آشکار و نهان بجای گذاشته است که بنده این مجموعه دانش ژرفا و گسترده را، "مدیریت دانش مفید" نامیدم که قواعد آن در علوم و فنون جهان (در اسلام و دنیای علوم و دانش جهان موجود است) و از طریق بنده جدول بندی و طبقه بندی شده است (واصطلاح مترادف آن در نزد اندیشمندان غربی، دانش فراراهبردی (knowledge meta- strategic) محسوب میشود که از نظر بنده اگر مرکز الگو به توصیه هایم عنایت کند و برای آنها سکو سازی نماید، این مجموعه دست آورد را میتواند بیک علیت تراکمی پر فضیلت برای رستگاری بشریت تبدیل کند که امروز بحث و جدال پیرامون آن از یک میلیارد رکورد گذاشته است و ایران را بصورت یک جعبه سیاه (تقصیر من نیست یک اصطلاح جهانی محسوب می شود و مترادف فارسی نداریم) یا یک حافظه از اطلاعات فضائی و به اصطلاح ناوبری حکومتی ایران درآورده که این اطلاعات و اصطلاحات برای مردم جهان جدید بوده و از نظر تفسیر و تعبیر و قیاس و جستجوی حقایق به منزله اطلاعات علمی و دانش جدید تلقی شده که میتواند با الگو در دست تهیه شما به مجموعه ملکات ذهنی برای ارضای کنجکاوی محققان جهان در رهبری، فراروش ها، فراانقلاب ها و نظایر بکار آید و در راهبردی های

بالادستی و یا دکترین های فوق دکترین های موجود ، راهنمای ما باشد ، این گونه مقتضیات شناسی روشن و صریح که خالق متعال بما ارزانی داشته وبا اعطای نمایندگی به امام امت (ره) نصیب این رهبری- پیروان نموده است ، در سند الگو ملاحظه نمیشود(واین توصیه ای برای بند دوم تدابیر در سند الگو)

3. بر طبق روش های علمی و با استفاده از دستاوردهای بشری و مطالعه آینده پژوهانه تحولات

جهانی طراحی شده و شامل مبانی، آرمان‌ها، رسالت، افق و تدابیر است. مبانی، اهم پیش فرض های اسلامی، فلسفی و علمی جهان شمول معطوف به پیشرفت را ارائه می دهد/ تمام بحث ما اینست که روش های علمی که بسیاری از آنها منسوخ شده و یا حداقل ما باید متکی بر مطالعات فراشناختی و بخصوص در فراروش های خاص قوانین تکوین ، فقه پویا و خلاقیت از جنس قرآنی شویم که روش های علمی لازم را برای کشف معارف ، ابداع مفردات و مداخل و بسیاری نکات دیگر مشخص و تدوین نماید و نه این دست آورد های بشری که تاکنون 70 در صد فقر جهانی موجب شده ، نظام های ظالمانه و فاسد را بر انسان مسلط کرده و هژمونی ابزار و ماشین را بر انسان ، موجودات زنده و طبیعت تحمیل و چیره نموده است، بدیهی است اینگونه رویکرد هابرای ما قابل قبول نیست ، ما در اسلام ، پیش فرض نداریم و برای اینکه درستی فرض های واجب اسلامی را درک کنیم به مطالعات خاصی نیاز داریم که به عنوان مثال نظیر تحقیقات پروژه های یقینی و یا تدوین استاندارد معنوی که خوشبختانه در غرب آغاز شده است و ما بسیار از آنها عقب هستیم در این موارد نیز به مقالات این مولف مراجعه شود(بعضی مطالب مترادف که در بخش تدبیر آمده است مشمول این توصیه میشود)

4. هدف از حکومت اسلامی که دامنه آن تا ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

ادامه داشته و به حکومت ناجی آخر الزمان متصل میشود ، در وصیت نامه امام امت (قدس سره شریف) آمده است و این با سیستم های دموکراسی و آرای مردمی و رویکرد های مدیریت سیاسی امروز جهان فرق دارد ، حکمرانی با روش قرآن و اسلام با چنین گفتمان و هرمونوتیکی جایز نیست ، چنانچه در این انقلاب اسلامی ، خمیر مایه های قرآنی و اسلامی و مجاهدت های صالحین و شهدا و افراد خیر خواه که فقط به فقط برای رضای خداوند متعال و تسلیم به احکام قرآن بوده است ، اگر نبود ، این همه پیروزی در میدان جنگ حق علیه باطل نصیب ملت نمیشد و قدرت حکمرانی فعلی مرهون همین فداکاریها و مجاهدت های در راه خدا و رسولش (ص) بوده است که مبنای آن همان تکوین ، تشریح و ابداع است که اموری است جریانی ، عرفانی ، بصیرتی و از جنس مطالعات پژوهش گرانه باروش های غربی نمی باشد.

5. کشور ما را به کشور خود بسنده و خود کفاف گری قلمداد نمودند ، در مورد خود کفایت گری در

بخش تدابیر عرض نمودم ولی در مورد خود بسندگی کلی به مثابه تفکر سیستمی کل نگر ، خود بسندگی در تهیه زمینه ، متن و محتوا ، شالوده و ساختار الگو برای اهداف آرمانی آن ، باید از نوع مطالبی باشد که فوقاً عرض شد و گرنه خود بسندگی در علم ، فناوری ، خودکفائی و بخصوص در امر توسعه و پیشرفتگی پایدار یک باور نادرست و خلاف مراتب توسعه جهانی و هیبریدی توسعه کره زمین است ، کشوری که 80 در صد خام فروشی میکند و این منابع به

ارزانی به کسانی می‌دهد که یا دشمن هستند و یا آب به آسیاب دشمن روانه میکنند ، همگرایی تاریخی و روش های هم افزائی های موجود جهان ، دوی درد این ام القرای اسلامی نیست ، از زمره دست آورد های مرکز الگو ، انکشاف این معجون های شفابخش و نجات کشور برای خاتمه دادن به آن جریان هائی است که حکم ایستائی را در نهان خانه تقدیر انشاء کرده است ، در این مورد ، مرکز با هزاران انشاء روبرو است که گاهی اشاره گذرا به آن میشود و دشمن در همین نوع گرایش های سیاسی و اقتصادی ، جلوی ما سپر اندازی میکند ، وگرنه آنقدر منابع ، نیروی کار ، محقق و نخبه و غیره ذالک داریم که خدا میداند و ما فقط آنهایی که میبینیم که با چشم می بینیم ، ما باید به قله های کشور نگاه کنیم ، نه اینکه هر وقت برف روی آنها نشست ، و برای ما چشم انداز " چشم نواز " درست کرد ، نگاهی گذرا بیاندازیم (این قسمت هم بستگی کامل با موضوع فرهنگ اسلامی و فرهنگ آرمانی ما دارد که طی نوشته ها و نامه هائی به دبیر خانه شورای عالی فرهنگی کشور ارسال نمودم) و این پاسخی است به بند 3 بخش تدبیر داده میشود

6. نگاه مرکز به موضوع مقتضیات همراه بارنگ وبوی التقاطی دارد ، تماماً ریشه در اسلام و قرآن ندارد ، و این گونه دیدگاه ها یکی به دلیل بسندگی در نوع تحقیق های نوع سنتی است که عمدتاً در معرکه های تضارب افکار رد و یا تایید میشود و این در حالی است که تحقیق از نوع چرخه علیت و معلولیت تراکمی است و به خبرگان میان رشته ای نیاز دارد و دوم اینکه ما یک کشور انقلابی هستیم ، و بیک فر انقلاب نیاز داریم که سکوی تخصیصی انقلابی را در راستای آن فرا انقلاب بر پا نماید ، فقدان این مهمات از فقدان فراروش ها ، پر اهمیت تر است ، به الگوریتم های پیشرفته ای نیاز دارد که تاکنون میبایست ارائه میشد و مدعیانی که ادعا دارند ، یک شبه این مملکت را اصلاح کرده و تحویل میدهند! ، آشکار شود ، ما باین خروجی ها و نتایج موثر و کارآمد نیاز داریم. با شیوه تدریج و طراحی پازل های همگرا و هم افزا.

ب: در باب مبادی

1. مبانی خداشناختی

نظیر این گونه واژگان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است و اینکه چرا در مدت 40 سال از طلوع انقلاب اسلامی تا کنون ، عمده آن به منصفه ظهور نرسیده و به حق و حقیقت که فطرت های جمهور مردم را به گواه آنها، به حق میروبرای سعی مشکور و اهتمام مقبول در صفا و مروه خداشناسی حقیقی و ادارنکرده است ، بسندگی به انشاء این گونه کلمات زیبنده است ، از نظر این خبره میان رشته ای ، هر موضوعی که برای نیل به عزم و جزم بوده و متکی به خداوند متعال و متضمن سعی و اهتمام قرآنی بوده نظیر مجاهدت های میادین دفاع از حق و مظلوم و راندن دشمن خون خوار و یا برای کمک به مستمندان ، یا برای بخشی از زیر ساخت های کشور و مواردی که انجام شده است ، جوهر تفکر خداپسندانه ، متکی بر ولایت فقیه ، دوری از فرهنگ تقلید ، اتکاء به قرآن و نقش هائی که رنگ خدائی و نیت پاک پشتیبان آن داشته ، موفق بودیم ، لذا در اینجا یکی از مطالب مهم و کلیدی فهم و کشف رویکردهای خاص اسلام محمدی (ص) و روش ها ، سیستم ها و استانداردهای آن است ، نه زیادی قوانین و مکرر در این موارد کارساز بوده و نه کثرت جمعیت و فرهنگ کهن و یا شاکله اقوام توانسته

جلوی تورم ، بیکاری و نظایر اینها را بگیرد. خیلی جالب است وقتی از سوی ایران سخن از حق و حقیقت میشود، یا حقوق بشر مورد تفسیر و تعبیر قرار میگیرد ، و یا از فقر و مظلومین مردم جهان سخن رانده میشود ، مُهره پشت دشمنان ما که باعث این همه جنایات و تعدی ها شدند ، شروع به تیر کشیدن و درد کردن میکند که گفته اند الخائن خائف (چه داخلی و چه خارجی) ، وقتی ما دچار حاشیه شویم ، دشمن خیلی خوشحال میشود به ما لبخند میزند ، بحث های کیلویی ژرفائی و پهنائی کلید می خورد تا راهی برای نجات و توجیه گری باز شود (برای اینکه هرکس خودش را بهتر آن میشناسد که من و شما ادعا میکنیم) که همگی این رفتارهای از دشمن داخلی و خارجی مصداق نفاق است ، در بخش تدابیر از این نکات کمتر ایراد شده و تعرض صورت گرفته است .

به عنوان مثال : برای شناخت منافقین باید جریان بنی اسرائیل را به خوبی بشناسیم. آنها از سویی مدعی ایمان اند از طرف دیگر از کفار بدترند. خطری که تا قیامت اسلام را تهدید می کند جریان نفاق است چرا که خدا نسبت به خطر کفر گفته نگران نباشید، «الْيَوْمَ يَبْسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَ اِحْتَوُنَّ» (مائده/3) بلکه از جریانهای داخلی خود بترسید. اگر جریان بنی اسرائیل مطرح شده برای این بوده که مراقب باشیم رفتارمان مثل آنها نباشد. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ فَهُوَ مُنَافِقٌ وَاِنْ صَامَ وَصَلَّى مَنْ اِذَا حَدَّثَ كَذَبَ وَاِذَا وَعَدَ اَخْلَفَ وَاِذَا اٰتَمَّنَ خَانَ؛ سه خصلت است که در هر کس باشد منافق است هر چند روزه بگیرد و نماز بخواند و خود را مسلمان بداند:

1. در امانت خیانت کند.

2. در سخن دروغ بگوید.

3. در وعده تخلف کند.

در این مرحله تدابیری لازم بوده و هست که تاکنون تحقق نیافته و نشانی نیز برای آینده رونمایی ! نشده است به شرح ذیل:

1. بر اساس اهداف و آرمان های الگو ، باید جامعه هدف که از ویژگی های هویتی الگو بر خوردار باشد گزینش و سازماندهی شوند ، ملاک و معیار های انتخاب طبق معیارهای متعارف التقاطی نیست ، همانطور که فراتقلاب اسلامی ایران ، بدست کسانی به موفقیت رسید که از هویت و ماهیت انقلابی قبل از فراتقلاب برخوردار بودند و از منظری به این پدیده مهم تاریخی نگاه میکردند که سالها منتظر وقوع آن بودند ، فراتقلاب بمعنی اینست که خود موتور محرکه انقلاب های زیرین مجموعه فراتقلاب است که بطور طبیعی همه را درگیر میکند ولی صاحبان اصلی فراتقلاب همان "وَقَلِيلٌ مِنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ" است ، ما عدول کردیم از تدابیری که باید در خدانشناسی و برای "خدا رهبری" بکار می گرفتیم و در تله های دمکراسی به نام ها و عناوین دیگر افتادیم ، مثل اینست که مولایمان صاحب الزمان (عج) وقتی ظهور کند ، از ابرار ، ابدال ، اصفیاء ، صالحین ، مومنین ، مجاهدین و نظایر این نیروی انسانی خاص خبری نباشد ، و هرکس که مدرک مهندسی ، دکترا ، پروفیسور ، اقتصاد دان و سیاسیون و غیره ذالک دارند را به

فرمانداری ، استانداری و حکمرانی کشورها و اقالیم بگمارد ، البته اینطور نیست ، در فراانقلاب ناجی اعظم ، نیروی استوار پای کار ، همه را انقلابی میکند و نه ضد انقلاب ، این ها درس های مهمی است که ما باید در تئوری و عمل از طرح تا سکوی های آن از قبل داشته باشیم و هیئت صالحه خودش محرک همه مسیر راه باشد و از وعده وعید پرهیز کند .

2. ما با اینگونه روانشناسی در تیپ شناسی محتاج هستیم که به دانش لازم و سیستم های پیشگیری و بررسی باز خورد ها (که تضاد ها و تناقض های اجتماعی است) تبدیل شود و سامانه های هدایت ، کاراندازی و نظارت و کنترل را به عهده بگیرد در الگو ارائه آن مرکز از این پیشرفت ها خبری نشده است

3. به یکی از وزراء (یک سال قبل عزل وی) نامه ای نوشتم و گفتم کارهایی که انجام میدید هم القائی است و هم متقارن نیست (البته بسیاری از کارهای دولت بین دولت و ملت از این علت بدور نیست) یک خانم مدیر کل که قرار شد نامه ام را با خودم مرور کند و بعد نتیجه را به آقای وزیر بدهد ، از من سوال کرد که معنی القاء و متقارن چیست ما ملتفت نشدیم ! ، گفتم من حدود ده صفحه توضیح دادم و مثال زدم ، گفتم باز هم ملتفت نشدید ! ، گفتم شما به جنگ های متقارن و غیر متقارن آشنائی دارید ، گفتم کمی ، گفتم که وزیر شما چریکی عمل میکند یعنی غیر متقارن ، گفتم حالا فهمیدم !.

4. یعنی وزرات خانه تیپ شناسی می خواهد و اصولاً در کشور آرمان خواه و حق خواه ، طبقه بندی نیروی انسانی را فقط دانشگاه تعیین نمی کند ، قاعده " تکلیف - حقوق - توفیق " تعیین میکند ، مگر با عناوین می توان مملکت را مدیریت کرد تا برسد باینکه بخواهیم الگو جهان شویم ، در کشورهای که امروز برای تکلیف تعیین میکنند ، این طبقه بندی تا حد فوق سری انجام میشود در ایران به عناوین قهر و غلبه و بازنشستگی و توجیحات دیگر ، مسئولیت های خاص و حساس به دموکراسی و رفتاری های غربی محول میشود و بعد فریاد بر میاوریم که چنین و چنان شد و منتظر هستیم با قاعده عرضه و تقاضا ، قدرت پولی کشور را صیانت کنیم این قاعده برای بازار اجتماعی که همه قدرت خرید دارند گفته شده و نه برای فرانسه که 90 درصد ثروت در دست 10 درصد و 10 درصد بقیه برای 90 درصد دیگر که باید 60 درصد درآمد خود را مالیات بدهند ، من در مقالات متعدد نوشتم که نظام سرمایه داری در تمام جهان ریشه دوانده و سیطره دارد و بسیاری از سیاست های اقتصادی ما ، همان پیمانانه شناسی سیاست های غربی است ، این سبک مدرنیته جهان امروز جهان است و به امور تسری پیدا کرده است

5. این ها نکات مهمی هستند که به عنوان مثل ، نتیجه اش را در قاچاق از طریق مرز یا گمرک ، ارز برای صادرات و واردات تعیین شده ولی در جای دیگر سردر میاورد و صدها نمونه دیگر و کاری به تیپ شناسی نداشتیم و شما میفرمائید تا در سال ۱۴۴۴ هجری شمسی مردم ایران که دیندار خواهند شد ، عموماً پیرو قرآن کریم ، سنت پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) و با سبک زندگی و خانواده اسلامی ایرانی خواهند شد و همه روحیه جهادی ، قانون مدار ، پاسدار ارزش ها ، هویت ملی و میراث انقلاب اسلامی ، تربیت یافته به تناسب استعداد و علاقه تا عالی ترین مراحل معنوی ، علمی و مهارتی و شاغل در حرفه متناسب خواهند شد (ظاهراً مایوس شدید و انسانم آروز را ندا

می‌دهید) و از احساس امنیت، آرامش، آسایش، سلامت و امید زندگی در سطح برتر جهانی برخوردار شوند. تا آن موقع من وامثال من که نخواهیم بود این جوانان و نخبه‌ها هم به سن و سال ما درمی‌آیند و بازنشسته می‌شوند یعنی 47 سال دیگر هی مینویسیم و مینویسیم و گمان می‌کنیم عده‌ای در خور و شایسته این فراتقلاب جهانی را بجائی می‌رسانند و یا نوه‌های دست اندرکاران الگو حاضر لیبیک خواهند گفت، درحالی است که امور تدریجی توسعه می‌یابد همانطور که دشمنان تدریجی تخریب و حمله می‌کنند و هرروز به تدابیر آنها برای سرگونی جمهوری اسلامی افزوده می‌شود که اگر عنایت خداوند ممان نباشد با همان فتنه‌های اول انقلاب بایکویت شده بودیم و این آزمون بزرگ یک پیام الهی دارد که قیام کنید، حرکت کنید و خداوند رحمان در ستایش انبیاء می‌فرماید: «یسارعون فی الخیرات» (1) آنها در نیکی‌ها، شتاب و سرعت می‌گیرند و این‌ها تدریجی است، گام بگام است، قدم بقدم است و قطره، قطره جمع گردد و انگهی دریا شود، باران نوازشی است که تَرَنَم آن لطافت و صفا بخش است، باران فرمایشی نیست که چون سونامی عمل کند و اصل وزیر ساخت و زمینه و همه را با خود ببرد و.....

6. اجازه بدهید قولی را از شهید مطهری رحمه الله علیه نقل کنم: این شهید گفت:

بازسازی و احیای تفکر دینی یکی از مقوله‌هایی است که از گذشته‌های دور مطرح نظر احیاگران دینی بوده است. (بخصوص در مواردیکه خواسته ما اینست که اسلام شالوده حکمرانی به سبک اسلامی و برای یک نهضت الگوئی داشته باشد-مؤلف)، احیاگری دینی امری به واقع شریف و ضروری است؛ زیرا در پی صیانت از دین و دین‌داری در جوامع دینی است. احیاگران در پی رفع چالش‌ها و موانعی هستند که رشد و بالندگی دین را به مخاطره می‌اندازند. آن‌ها حفظ و بازسازی تفکر دینی را در مقاطعی که دچار آسیب‌ها و تحریف‌هایی شده است، بر عهده دارند. احیاگری دینی یعنی زدودن غبار خرافه و بدعت و تحریف از چهره دین و عنایت به زوایای مغفول و متروک مانده معارف دینی و تصفیة زواید از چهره دین. به نظر بسیاری از محققان و صاحب‌نظران مسلمان، استاد مرتضی مطهری یکی از احیاگران و اصلاحگران اندیشه دینی، در دوره‌ی معاصر است. از منظر استاد، موضوع عقب‌ماندگی و انحطاط مسلمانان به عنوان جدی‌ترین مسئله کنونی مسلمانان و پاسخ به آن مبرم‌ترین نیاز است. استاد مهم‌ترین مؤلفه اصلاح فکر دینی را شفاف‌سازی و آسیب‌شناسی مفاهیم دینی می‌دانست که به صورت مسخ شده و واژگون در اذهان مردم رسوخ کرده بود. ایشان در موضع یک فیلسوف - متکلم از توجه به مسائل اجتماعی در حوزه احیای تفکر دینی غافل نماند.

www.shiitestudies.com/article_18723.html

شهید ادامه می‌دهد: تاریخ احیاگری دینی را در عصر مدرن به دو بخش می‌توان تقسیم کرد. بخش اول حیات احیاگری در عصر جدید، تلاش‌ها و کوشش‌های احیاگران را برای سازگاری نمودن دین با دنیای جدید شامل می‌شود. تلاش عمده عالمان دینی این بوده که نوعی دین را با ارزش‌های جدید منطبق کنند. لذا در تعامل دین و مدرنیته، آنچه اصل فرض میشد مدرنیته بود. مباحثی چون «باب روز نمودن کلیسا» در جهان مسیحیت و «متجدد کردن اسلام» در دنیای اسلام، نمونه‌ای از این تلاش‌هاست. احیاگری، اوج این بخش از حیات خود را در دهه ششم قرن بیستم مشاهده کرده است. از دهه هفتاد به بعد، این جریان

معکوس می شود؛ تلاش احیاگران دیگر برای منطبق شدن با ارزشهای دنیوی نیست، بلکه هدف آنان ارائه مجدد مذهب به سازمان اجتماعی است. از این دهه به بعد مباحثی چون «مسیحی ساختن دوباره اروپا» و «اسلامی کردن تجدد»، جای مباحث پیشین می نشیند. بر اساس رویکرد اخیر، **این جهان مدرن است که باید جنبه دینی به خود بگیرد.** از این رو، در کشور های اسلامی پدیده ای دینی شکل می گیرد که در نوسازی جامعه مشارکت می نماید.

در انطباق احکام با مصادیق جدید، این اجتهاد است که نقش اصلی را بازی می کند. وظیفه فقیه این است که بدون انحراف از اصول کلی، مسائل جزئی و متغیر و تابع گذشت زمان را بررسی کند و بر اساس همان احکام و چارچوبهای اصلی، که توسط وحی عرضه شده است، احکام مناسب را صادر کند. مطهری، امدادهای غیبی در زندگی بشر، مجموعه آثار، ج 2، تهران، انتشارات صدرا، ص 94.

عملکرد احیاگرانه استاد مطهری دو گونه است: 1. طرح آرا و دیدگاههای احیاگران و مصلحان پیشین و نقد و بررسی آنها؛ 2. احیاگری مستقیم. ایشان در طرح اندیشه های احیاگران و مصلحان مسلمان، سید جمال الدین اسدآبادی، شیخ محمد عبده، عبد الرحمن کواکبی و محمد اقبال لاهوری را مطرح می کند و به ارزیابی حرکت احیاگرایانه آنها می پردازد. در میان متفکرانی که در تداوم این جنبش نقش عمده ای داشته و برای بسط آن بسیار کوشیده اند، می توان به علامه اقبال لاهوری اشاره کرد. شناخت اقبال از آن جهت حایز اهمیت است که عرصه های مختلف فکری، اجتماعی، و سیاسی را تجربه کرده و در هر کدام از این حرکتها پیشتاز و نوآور بوده است. او فیلسوفی آشنا به مبانی فکری غرب و متفکری آگاه به وضعیت جوامع اسلامی بود و با این بینش و دانش به فعالیتهای اصلاحی خود تداوم می بخشید. بسیاری از اندیشمندان و متفکران حاضر، اقبال را شخصیتی کم نظیر و تأثیر گذار در جریان احیای فکر دینی و تشکیل امت واحد اسلامی می دانند (هاشمی، سید محمدجواد، علامه اقبال لاهوری، بیدارگر شرق، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در امور اهل سنت سیستان و بلوچستان، ص 25).

7. سایر مبانی های در قسمت مبانی نوشته شده است از نظر عبارت پردازی وگفتمان کلی درست است، جای مخالفتی ندارد، فقط می گوئیم با کلیات گوئی، اسلام، حکومت والگوی پیشرفت حاصل نمی شود، ما در این هفت سال که نزدیک به یک هزار سوال توسط بنده به مرکز الگو ارسال شد ولی به هیچ کدام پاسخی داده نشد، و حاصل این هفت سال یک سری کلیات را که در سطحی عالی در قران کریم آمده و درروایات ائمه معصومین (ع) به تفصیل آمده است، ما نیاز مند طرح الگو هستیم که شامل حداقل های زیر باشد وپاسخ دهندگان ونقد کنندگان به جزئیات به آن بپردازند، مطالبی که شما نوشتید، کلیاتی است که جای بحث ندارد، ولی تحقق آنها به جداول وجزئیات زیر نیاز دارد که فرهیخته مخاطب شما به تامل وامعان نظر، هر قسمت را تکمیل کرده و طرح را از لحاظ عملی واجرائی مورد نقد واصلاح قرار بدهد مثل ذیل:

- I. طرح در فرم های تفصیلی با جزئیات لازم برای تحقق الگو باشد
- II. اهداف کلان طرح واهداف مدت بلند و میان مدت با ذکر ضروریات آن ارائه شود
- III. داده های مورد نیاز برای وردی سیستم ونتایج سیستم های الگو ارائه شده باشد

- IV. رویکردها، گرایش ، مبانی به جزئیات از جریان تکوین ؛ احکام تشریحی و ابداعات لازم برای تدبیر ، خلاقیت ، و راه های اساسی و غیره تدوین شده باشد
- V. برنامه زمانبندی طرح از جهات مختلف و روش های نوینی که الگو مبرهن میسازد ، ارائه شود
- VI. از پاسخ دهندگان بطور واضح مواردی که در طرح لازم خواسته شود ، تا پاسخ دهنده هم کلیاتی در مقابل کلیات شما سرهم نکند واصطلاحاً به تکلیف خود عمل کرده باشد مثلاً از او بخواهید تا کنون در تدبیر در قرآن در مورد این الگو یا حکومت اسلامی بچه مفرداتی دست یافته است ویا در مورد چیستی وچرایی این الگو از دیدگاه اسلام به چه دست آوردهائی نائل شده است ومثل 100 اسناد بالادستی یا سیاست های کلی که عمدتاً مغفول مانده است
- VII. جامعه هدف شما برای پاسخ گوئی مشارکت کدامند و چگونه باشد مشارکت کنند وچه نسبتی با کل طرح دارند
- VIII. برای یادگیری آنچه برای الگو نیاز است رشته های تحصیلی مقرر وتاسیس شود
- IX. جامعه هدف تعیین ومسئولیت های مشخص گردد
- X. شبکه های خاص الگو از طریق تیپ شناسی تذکر داده شده ایجاد وتعاملات لازم بکار افتد
- XI. وصدها مقتضیات دیگر که منابع ، ظرفیت وفرصت های تسریع گردد

ج: آرمانها(آرمان های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ارزش های بنیادین فرازمانی و فرامکانی جهت دهنده پیشرفت است. مبنایی ترین این ارزش ها، نیل به خلافت الهی و حیات طیبه است. اهم ارزش های تشکیل دهنده حیات طیبه عبارتند از: معرفت به حقایق، ایمان به غیب، سلامت جسمی و روانی، مدارا و همزیستی با هم نوعان، رحمت و اخوت با مسلمانان، مقابله مقتدرانه با دشمنان، بهره برداری کارآمد و عادلانه از طبیعت، تفکر و عقلانیت، آزادی مسئولانه، انضباط اجتماعی و قانون مداری، عدالت همه جانبه، تعاون، مسئولیت پذیری، صداقت، نیل به کفاف، استقلال، امنیت و فراوانی.)

1. بنده بعضی از این آرمان های دل مشغولی را در مقالات خود به تفصیل آورده ام ، به عنوان مثال "نیل به کفاف " برای هیچ کشوری به لحاظ امور تکوینی ونیز طبیعت هیبریدی کره زمین میسور نیست خداوند منان بیک منطقه نفت داده وبه یک منطقه نداده است ، بیک منطقه جنگل انبوه داده است ویک منطقه را خشک ولم یزرع قرارداده است ولی به عوض آن معادن غنی وپر عیار داده است برای اینکه همه مردم جهان با هم مشارکت کنند ومجبور شوند که در صلح وآشتی ، هم زیستی داشته باشند ، ما باید معرفت جامعی از حیات طیبه داشته باشد ودر ذیل همین آرمان مشخصات ومختصات حیات طیبه را بر می شمردیم ، آرمان های کلی که بر اساس تعاریف رایج گرد آمده است ، در شان الگوی مورد نظر نیست
2. فرازمانی وفرامکانی شما با الگوی اسلامی – ایرانی مغایریت دارد وخلافت الهی ، کشوری نیست ، خداوند در روی زمین خلفای متضاد ومخالف هم نمی خواهد دراین به دومقاله زیر از بنده مراجعه شود:

شکست ها ، ناتوانی ها ، واماندگی ها عدم موفقیت و ناکامی های جهان امروز (284)

تضاد و تناقض در گفتار و رفتار رهبران جهان (مقاله 286)

حل چالش های بین کشورها و نیز در سطح ملی تنها با درک لازم از قوانین تکوینی ممکن است، زیرا داده های غیر حقیقی مادیگران برای نظام های عدل گستر توجیه ندارد ، ساختار و ماهیت کره زمین برای صلح و هم زیستی خلق شده است نه برای جنگ افروزی

3. تمام این آرمان باید به داده های کمی و کیفی برای طراحی سیستم های اجتماعی باید تاکنون تهیه میشد ، ما در فرصت سوزی ید طولانی داریم

ج:افق:

1. یکی از چالش های مرکز الگوی پیشرفت اسلامی – ایران این بوده که مثل دولت وعده های افق دار میدهد ، دولت معجل چهار ساله همان کارهایی که می خواستند بشود ، لذا توانستن خود را در درجریان اهتمام به عزم و جزم در آوردند ، اقدامی در خور کرده و توانستند به برخی از مطالبات به حق مردم پاسخ نسبی بدهند ، در اسلام نظیر این وعده ها را نداریم ، رسول گرامی اسلام (ص) که مامور رساندن وحی و تشکیل حکومت اسلامی گردید، در عرض 23 سال به تمامی ماموریت های خود جامعه عمل پوشانید و این گونه افق نشان دادن بمعنی حواله کردن خواسته های مردم در جهان دیگر است ، اصولاً توسعه و پیشرفت ، علم و فناوری در سکو های مستمر و با ممارست پی در پی و با جهاد و بسیج ملی و همه جانبه در ظرف مدت های کوتاه پی در پی و مراتبی انجام میشود بزرگترین مشکلات دنیا را بعد جنگ جهانی دوم مطالعه کردم و آنها را در مقالاتم مثال آوردم ، تورم را سه ساله درست کردند البته معجزه است و همانطور که داعش را در مدت سه سال از میان برداشتن (با هفت تریلیون دلار هزینه از سوی دشمن) یک فرا معجزه بود ، هر وقت اینطوری قیام کردیم و بجای کارهای انقلابی ، به اقدامات فرانقلابی بپردازیم ، کارها به موقع درست میشود ، یعنی چه ؟ یعنی کاری کنیم که هر مسئولی در محل کارش از فرانقلابی ، انقلاب خود را فهم کرده و عمل کند ، این طوری باید الگورا در بستر های فرانقلابی برپا کرد ، با این صبوری که ما داریم ترسم بجائی نرسیم ، کارهای انقلابی با آرام نشستن روی صندلی های دسته دار (Armchairs) بجائی نمی رسد

2. این **مقتضیات روز** / را از کجا آوردید و فلسفه آن چیست و در کجای قرآن است و تکلیف ما با سنت الهی و قوانین ثابت و جریان های پایدار چیست؟

3. **ایمان به غیب** / قران پنجره های برای شهود غیب و عمل به آن تعیین کرده است ،

4. بهر حال این تدابیر که کلی بیان شده که در اسناد بالادستی مفصل تر و رساتر و با استحکام بیشتری گفته شده و استوار شده و حتی بعضاً ضرایب فنی و نفوذ آنها بیان شده ، آمده است ، و اینکه بنده و امثال بنده ، یکی یکی این کلیات را پاسخ بدهیم هم کاری و گره ای از مشکلات در حل نمیشود

5. بنده به اتفاق چند تن از اساتید و روحانیون درسازمان تبلیغات اسلامی طرح جامعی را انجام دادیم که فقط یادداشت آن در کتابخانه خصوصی ام بالغ بر 40 جلد گردید ، کارهایی به تبع ضرایب فنی

ونقشه راه ها و راه کارها انجام شد و بخشی هم مغفول ماند ، تمام این 5 طرح اسلامی کردن دوسال طول کشید و ما در درطول این مراحل طرح مشغول آموزش ، فنی کردن طرح و امور کلینیکی آن بودیم .

6. باز در ده طرح صنعتی کشور در سازمان های مهم صنعتی تمام مراحل با کلی گفتن نبود با آموزش ، سکوهای عمل ، درمان در حین انجام کار و ممارست بود که حاصل آنها تاکنون 500 جلد موجود است

7. بنده نارضایتی و شکوه خود را برای 7 سال نشست و برخاست و این حاصل ناچیز را اعلام میدارم و اگر بدانید که در این مدت من و امثال من برای این کشور در مسیر علم و فناوری چه اقداماتی پیدا انجام دادیم ، آنگاه به این کارنامه شما (چند هفته ای) ، تاریخچه 7 ساله نسبت پیدا نمیدادید و این همه تبلیغات و همایش و کاغذ سیاه کردن لازم نداشت که به عمل کار برآید ، به سخن دانی نیست.

تدابیر :

1. موضوع مقتضیات را در سطور فوق توضیح دادم
2. در سطور فوق توضیح داده شد
3. دیگر با مدل متعارف امروزه ، نمی توانیم رقابت کنیم و حتی مدیریت کنیم ، هر کس توانست طرحی نو بریزد و آن را اداره کند قهرمان و پهلوان میدان است
4. دنیا پر از آشوب است و هر روز بیشتر میشود ، جریان های آشوب گر در بطن خود نظم نهفته ای دارند که باید درک شده و مشخصات آنها شناسائی شود ، این گونه نظم ها راهنمایی طرح و پروژه های شما هستند
5. **شناساندن علمی و واقع بینانه ارزش ها و دستاوردهای انقلاب اسلامی** / نکته مهمی است ولی به شیوه تدریجی و نه وعده به آینده نامعلوم ، نوع علوم شناسائی شده باید شاه کلیدی بوده و حلال تمام عرصه مخصوص خودش باشد مثل فیزیک کلاسیک (مکانیک ، الکترومغناطیس ، ترمودینامیک) و فیزیک نوین (کوانتمی) ، آیا فیزیک در این دو عرصه پایان پذیرفته است ، یا بقول هنری کلیف (از سازمان TED) " ما به پایان فیزیک رسیدیم " ، یعنی ما از لحاظ تئوریک هیچ مرز جدیدی از دانش فیزیک شناسی ، نمی توانیم پنجره جدیدی را بگشائیم ، من سوال میکنم آنجا که خداوند متعال میفرماید " الله نور السموات والارض.....آیات 35 تا 46 سوره نور " آیا همان نوری که در حصر فیزیک کوانتمی میباشد یا خداوند متعال پنجره وسیعی را برای مومنین و اهل تقوی گشوده که این منظر به طبیعت و قوانین آن بنگرد و مبنای در علوم بگذارد که به تخریب محیط ، کشتار جمعی سلاح های اتمی ، پرتوگرافی های بیماری زا ، تخریب لایه اوزون و گرمایش خطرناک کره زمین ، بالآ آمدن سطح آب های اقیانوس و دریا ها و هزاران مصائب برای این بشریت نباشد ، آیا ما در بخش کثیر سرگرمی این دنیای مصیبت زده قرارداریم و یا می خواهیم دست از کلی گوئی و وعده دادن ها برداریم و همان " وَ قَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ " باشیم و شکر گذار حقیقی و آشکار کننده آیات و نشانه های و حیانی باشیم !
6. قرن 21، قرن جایگزینی ها است و گزینش های جدید ، جایگزینی مهارت ، مدل ، روش ها ، نظم و سیستم ، فرضیه ها و قواعد خاص و یادگیری در مراتب اثربخش برای هر طرح نوین است

7. هر چه به جلو میرویم به درک فراشناختی از هشیاری و آگاهی های حضوری (Consciousness) نیاز مند تر میشویم ، درک حسی – ابطالی پایان یافته است ، دریافت از الهام ، جایگاه ویژه ای در ادراکات ما دارد
8. از نقد گریزان نباشید ، بلکه استقبال کنید ، با منتقدین گفتگو کنید و از نظرات آن عمیقاً آگاه شوید و در زمینه های فعالیت خود از آنها کمک بگیرید این منتقدین هستند که جایگزین جامعه هدف میشوند
9. راه حل ها از بطن بحران ها و ابر چالش ها پیدا میشود و فرصت های جدیدی برای پیشبرد طرح الگو میسازد
10. ما به بصیرتی نیاز داریم که ملهم از دیدن باور ها ، عینی شدن باور ها و تعیین کننده پروژه های یقینی و استاندارد های معنوی باشد(این موارد در غرب آغاز شده است) و بنده طی نامه ای این مراتب را به سازمان ملی استاندارد نوشتم و اعلام آمادگی در ارائه مشاورت های لازم را دادم
11. عضوی بدرد شما می خورد که نتیجه یاد گیری او با شناخت تضادها و تناقض و بطور کلی پارادوکس منجر شود و درک کند که سیستم های شما به داده های ورودی ، خروجی یا نتیجه و فرایندهائی احتیاج دارد که باعث رفع نقص از سیستم ها و فعالیت در این مسیر شود
12. آشوب های فعلی جهان در سطوح ملی ، منطقه ای و بین المللی جریان های حقیقی هستند اگر سعی کنید قواعد این جریان ها را بشناسید به مدیریت جدیدی در تسریع فعالیت های خود نائل میشوید و هم نوع یادگیری شما را تعیین تکلیف میکند
13. انسان ، کره زمین و آنچه در عرصه آنها هستند ، همه دارای همبستگی هیبریدی ، فراکتالی ، همگرایی و با ظرفیت هم افزائی هستند و شناخت این همه امکانات و ظرفیت مستلزم یادگیری عمیق ، گسترده بوده و قواعد دانش مفید آنهاست و دیگر نباید بدنبال کارهای بسیط و ساده و مقطعی باشید
14. اگر کاری دارید که هیچ نفعی به جامعه نمی رسد راهی بجائی نمی برید و کنجای کسی را برای همکاری با شما تحریک نمی کند و اگر لیبیک بگوید مقطعی است
15. کسی که با کلهکشان وجود خویش در ارتباط است و از خود آگاهی آن بهره میبرد ، و الهام میگیرد ، هیچگاه تنها نیست ، سعی کنید از دانشگاه درون ، درس های استعلائی کسب کنید
16. هر گونه ساختار شکنی و یا شالوده شکنی بصورت سنتی و قدیمی کار ساز نیست ، ما در این مورد به روش های علمی و قواعد لازم ، نیاز داریم ، بنابراین یادگیری ما باید علمی باشد
17. سعی نمائید جریان هائی که کشف میکنید آنها از طریق ساختارهای شبکه ای ، زنجیره ای ، خوشه ای و جمعی صیانت کنید
18. سعی کنید بجای روش ها ، فراروش ها را کشف کنید و بجای مدل را بیاموزید فرامدل را طراحی کنید در فراسوی نگری ها شما به دیگران راه حل های خاص یاد میدهید و سکوی های شما کلیدی و خاص خواهد بود(کشف شاه کلید ها و آچار فرانسه ها...)
19. سعی کنید متقارن عمل کنید و گر نه اقدامات شما القائی و چریکی خواهد بود
20. مسیر کار موفق شما بطریق تئوری بسوی عمل است و تبدیل آن به دانش مفید است و سپس به ایده سازی بپردازید تا برای آغاز گری آماده شوید

21. هرگونه ویژه سازی و زمینه سازی برای خواص موردنظر ، بدون تبیین شناسی اهداف جامعه هدف ، اشتباه است
22. خیلی از عناوین تدابیر در احکام تشریحی وجود دارد ، باید به مهندسی این احکام و تدوین استاندارد های معنوی آنها پرداخت (به نامه بنده به سازمان ملی استاندارد عنایت شود)
23. هر گونه بررسی " عدم تعارض " از طریق بازخوردهای سیستم های هوشمند شناخته میشود
24. علم و دانش بومی و محلی نداریم ، طرح ها و پروژه های بومی و محلی داریم ولی ساحت علم و دانش در انحصار زمان و مکان محصور نمی شود
25. ملاک ها و معیارهای ارزشیابی علوم کار مشکلی است ، حل این موضوع با خبرگان میان رشته از هم اکنون لازم است
26. بین تدابیر در این الگو ، اولویت بندی نشده است اولی و غیر اولی در هم مخلوط است
27. بسیاری از تدابیر و عناوین و گفته های درالگودر اسناد بالادستی کشور با ضرایب فنی آمده است و در کتب و رساله های و تحقیقات پشتیبان که میلیون ها صفحه میشود ، این واژگان آمده است و این الگو از تازگی و درخشش لازم برخوردار نیست

به مواردیکه قبلاً به آن مرکز ارسال نمودم و پاسخی ندیدم ملاحظه نمائید:

میرسد فریادی از دل سوزان بشر

نغمه ای دلسوز از ناجی ما، در سحر

آنکه نشنود این داد، از راه دور

بیگمان خواب است در هنگام سحر (محمود صانعی پور)

ومن الله التوفيق و عليه التكلان

با احترام مجدد

محمود صانعی پور

خبره میان رشته ویا گیرنده مادام العمر